

Legislative, Judicial, and Executive Criminal Policy Strategies in Iran for the Protection of Water Resources

1. Seyyed Ebrahim Mousavi: PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran
2. Behzad Razavifard*: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. Email: bzoudlaw.110@gmail.com (Corresponding Author)

ABSTRACT

Iran's water resources are facing serious and widespread environmental threats. Although certain laws have addressed legal and criminal strategies for the protection of these resources, such measures have not been entirely effective in addressing the existing challenges. Many of these legal provisions suffer from fragmentation and insufficient incorporation of environmental experts' knowledge, resulting in legislative deficiencies and practical inefficiency. The primary objective of this study is to propose legal, judicial, and executive solutions to enhance criminal policy regarding the preservation of these resources in Iran. The findings indicate that Iran's criminal policies in this field are disjointed and inadequate. Despite the legislator's efforts to enact laws related to the protection of water resources, the lack of coordination between executive and judicial bodies and the ineffective use of environmental expertise have weakened these policies. This study demonstrates that the current criminal policies of Iran concerning water resource protection require serious revision. The development of a "Comprehensive Water Law" could foster better coordination among the three branches of government and promote more effective utilization of expert capacities. This, in turn, would strengthen the protection of water resources and contribute to improved management of these vital assets.

Keywords: *Criminal policy, water resources, environmental protection, water law, comprehensive water law, Iran*

How to cite: Mousavi, S. E., & Razavifard, B. (2025). Legislative, Judicial, and Executive Criminal Policy Strategies in Iran for the Protection of Water Resources. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 172-183.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 16 October 2024
Revise Date: 03 December 2024
Accept Date: 21 December 2024
Publish Date: 16 October 2025



راهکارهای سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی ایران در صیانت از منابع آبی

۱. سید ابراهیم موسوی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران
۲. بهزاد رضوی فرد*: دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. پست الکترونیک: bzoudlaw.110@gmail.com (نویسنده مسئول)

چکیده

منابع آبی ایران با مخاطرات زیست‌محیطی جدی و فراگیر مواجه هستند. اگرچه در برخی قوانین به راهکارهای حقوقی و کیفری برای صیانت از این منابع پرداخته شده است، لیکن این تدابیر به‌طور کامل نتوانسته‌اند، پاسخگوی چالش‌های موجود باشند. بسیاری از این قوانین به دلیل پراکندگی و عدم استفاده کافی از دانش کارشناسان محیط‌زیست دچار نقص بوده و در عمل ناکارآمد بوده‌اند. هدف اصلی این پژوهش ارائه راهکارهای حقوقی، قضایی و اجرایی برای بهبود سیاست‌های جنایی در زمینه صیانت از این منابع در ایران است. نتایج نشان می‌دهند که سیاست‌های جنایی ایران در این حوزه پراکنده و ناکافی هستند. علیرغم تلاش مقنن برای وضع قوانین مرتبط با حفاظت از منابع آبی، عدم هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و قضایی و نیز عدم استفاده مؤثر از کارشناسان محیط‌زیست باعث ضعف در این سیاست‌ها شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های جنایی فعلی ایران در صیانت از منابع آبی نیاز به بازنگری جدی دارند. با تدوین «قانون جامع آب» می‌توان هماهنگی بهتری بین قوای سه‌گانه و استفاده مؤثرتر از ظرفیت‌های کارشناسی ایجاد کرد که این امر به تقویت حفاظت از منابع آبی و مدیریت بهتر این منابع حیاتی کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، منابع آبی، حفاظت از محیط‌زیست، حقوق آب، قانون جامع آب، ایران

نحوه استناددهی: موسوی، سید ابراهیم، و رضوی فرد، بهزاد. (۱۴۰۴). راهکارهای سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی ایران در صیانت از منابع آبی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱۸۳، (۳)، ۱۷۲-۱۸۳.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۵ مهر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۳ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۴ مهر ۱۴۰۴

بحران منابع آبی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی قرن بیست و یکم به شمار می‌رود. کاهش منابع آبی و آلودگی روزافزون این منابع، تهدیدی جدی برای توسعه پایدار، امنیت غذایی، و سلامت عمومی ایجاد کرده است. با توجه به اهمیت آب در زندگی روزمره و نقش آن در توسعه اقتصادی و زیست‌محیطی، حفاظت از منابع آبی تبدیل به یک ضرورت جهانی شده است. در بسیاری از مناطق جهان، از جمله ایران، منابع آبی به شدت در حال کاهش است و تغییرات اقلیمی، برداشت بی‌رویه و آلودگی‌های صنعتی و کشاورزی باعث شده‌اند که وضعیت این منابع به بحران نزدیک شود. با توجه به اهمیت بحران آب، به‌خصوص در مناطقی با اقلیم خشک و نیمه‌خشک نظیر ایران، ضرورت بازبینی و بهبود سیاست‌ها و قوانین مرتبط با حفاظت از منابع آبی بیش از پیش احساس می‌شود. در ایران، برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی و عدم رعایت مقررات زیست‌محیطی منجر به کاهش چشمگیر منابع آبی و بروز مشکلات متعددی همچون فرونشست زمین و آلودگی آب‌ها شده است. در حال حاضر قوانین متعددی که تعدادی از آن‌ها پیش از انقلاب اسلامی از تصویب مجلس وقت و نیز تعدادی از دوران انقلاب از طریق شورای انقلاب و تعدادی هم پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی در قوانین اختصاصی و عمومی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است که هر کدام از آن‌ها حکمی را مقرر یا به قانونی دیگر به منظور مجازات شدیدتر و.... احاله داده است. در حال حاضر نظام حقوقی و قانونی فعلی آب کشور با شیوه‌ها و سیاست‌هایی که بر پایه مقررات سنتی استوار است، نمی‌تواند راهگشای مطلوبی برای مدیریت صحیح و قانونمند تأمین پایدار آب برای همه ذی‌مدخلان و ذینفعان باشد. از طرفی پافشاری بر مقررات سنتی از سوی برخی محاکم و ذینفعان بخصوص حقایه داران چالش‌هایی را پدید آورده که به افزایش بحران آب منتهی می‌شود. لذا بایستی با رویکردی نوین چالش‌های حقوقی حاکم بر آب رفع شده، تا با وجود مشکلات مربوط به کم آبی، ظرفیت لازم برای پاسخگویی به مسائل، ایجاد شده و سطح مدیریت اجرایی و عملیاتی مربوط از منظر قانونی ارتقاء یابد و در نهایت حکمرانی بهم پیوسته منابع آب با حمایت از بسترهای متنوع بحث نهادینه گردد.

راهکارهای سیاست جنایی تقنینی ایران در صیانت از منابع آبی

تصویب حجم زیادی از قوانین پیرامون آب در کشور ایران، گرچه حمایت از تحولات تقنینی پی در پی و توجه قانونگذاران به موضوع آب دارد، لیکن با بررسی بیشتر می‌توان پراکندگی و عدم انسجام سیاست تقنینی مقنن در جرایم علیه آب را استنباط کرد. یکی از رموز موفقیت در قانون گذاری کیفری، انسجام در قوانین است که این مطلب در مصوبه‌ها رعایت نشده و قانون گذار صرفاً در پاره‌ای مواقع به‌صورت انفعالی برخی از امور جرم‌انگاری کرده است لذا باتوجه به اهمیت منابع آب در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ضروری است که سیاست کیفری منسجم و کارآمد در قبال جرایم علیه آب اتخاذ گردد به همین جهت در این قسمت سیاست‌های کنونی کیفری در این زمینه به بوته نقد گذاشته شده و اصلاح و بازنگری قوانین موجود در این عرصه امری ضروری به نظر می‌رسد.

انسجام داشتن قوانین

یکی از اصول اساسی در زمینه سیاست کیفری، پیش‌بینی مجموعه قوانین منسجم و منظم به‌منظور تأمین اهداف آن است. سیاستگذاری در زمینه مسائل کیفری متضمن انتخاب آگاهانه و مناسب «جرم‌انگاری‌ها» و «مجازات‌های» هدفمند است (Khaleghi & Rashnavadi, 2013). اصل قانونی بودن جرم و مجازات اقتضا می‌کند که مجموعه جرایم و مجازات‌ها در یک مجموعه واحد و منسجم بیان شود تا مجموعه تابعان حقوق کیفری با سهولت و به‌صورت شفاف و روشن با مجموعه جرم‌انگاری‌ها آشنا شوند و اینکه پراکندگی قوانین باعث تشتت سیاست‌ها، برنامه‌ها و عدم هماهنگی لازم میان آن‌ها می‌گردد و حتی قضات که مجری قوانین هستند، از تشخیص ناسخ و یا منسوخ بودن مجموعه مقررات و قوانینی که گوناگون هستند، عاجز می‌مانند. با دقت در قوانین کیفری مرتبط با منابع آب در ایران، می‌توان آشفتگی سیاست‌های حاکم بر جرایم و مجازات‌های پیش‌بینی شده را ملاحظه کرد. متأسفانه در نظام کیفری کشور ما در این خصوص رویه‌ای تلفیقی در پیش گرفته شده است و جرم‌انگاری‌هایی راجع به منابع آب در قانون مجازات اسلامی و در قوانین پراکنده منعکس شده است. یکی از رموز موفقیت در قانون گذاری کیفری، انسجام در قوانین است که این مطلب در مصوبه‌ها رعایت نشده و قانون گذار صرفاً در پاره‌ای مواقع به‌صورت انفعالی برخی از امور جرم‌انگاری کرده است. انفعالی عمل کردن قانون گذار تا زمانی در سیاست جنایی تقنینی ایران کاربرد دارد که اقدامات خرابکارانه علیه آب با قصد ایجاد رعب و هراس در بین مردم و مقابله با حکومت نباشد؛ زیرا با احراز آن قصد، اقدامات علیه آب تروریستی قلمداد شده و به موجب تبصره ۱ ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات، مجازات محارب برای متهم در نظر گرفته می‌شود. این چنین سیاست تقنینی که عدم تناسب در محکومیت را در پی دارد، موجب سردرگمی تصمیم گیرندگان خواهد شد. این در حالی است که کشورهای اروپایی گرچه به لحاظ

دارا بودن آب در وضعیت مناسب تری نسبت به کشور ما قرار دارند، حساسیت این کشورها در قبال حقوق آب نسبت به کشور ما بالاتر است؛ به عنوان نمونه کشوری مانند آلمان منحصراً به جرم انگاری اعمال علیه محیط زیست و منابع آبی پرداخته است. هر چند لایحه قانون جامع آب ایران که با هدف تهیه بستر حقوقی مناسب تحولات آتی مدیریت آب کشور، حل معضلات و چالش‌های حقوقی آن و رفع پراکندگی و تعارض قوانین موجود آب در چارچوب یک قانون مادر در مردادماه ۱۳۹۹ به مجلس داده شده و این لایحه ضمن توجه ویژه به مسائل آلودگی، اقتصاد و سرمایه گذاری آب، در فصل پنجم به تخلفات و جرائم و جبران خسارات در حوزه آب می‌پردازد. از نوآوری‌های این لایحه می‌توان به ایجاد شعبه ویژه‌ای جهت رسیدگی به شکایات و دعاوی مربوط به امور آب در هر دادگستری استان و پیش بینی مسئولیت برای اشخاص حقوقی اشاره کرد.

عدم جرم انگاری رفتارهای مشابه

دومین ایراد قوانین کیفری مرتبط با آب این است که قانون گذار در قوانین مختلف رفتارهای مشابه را جرم تلقی کرده است. برای مثال، در قوانین مختلف، آلوده کردن آب و منابع آبی جرم و برای آن‌ها مجازات تعیین شده است.^۱ بدیهی است در این مورد تنها یک قانون در زمان معین می‌تواند حکومت داشته باشد و این تعدد قوانین موجب می‌شود، مجریان قانون در شناسایی قانون حاکم با مشکل روبه رو شوند. عام بودن برخی از این قوانین باتوجه به دامنه شمول قانون و خاص بودن برخی باتوجه به دامنه شمول، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که از میان دو قانون عام و خاص کدام یک قابل اجراست. همچنین، باید توجه داشت هرچند پس از پیروزی انقلاب اسلامی نظام حقوقی ایران دچار تغییر و تحولات عمده‌ای شده است، اما بسیاری از قوانین پیش از انقلاب براساس نظریه تفسیری شورای نگهبان از اعتبار برخوردارند، اما درخصوص مسئله عام لاحق و خاص سابق میان حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق دانان بر این نظرند که با تصویب قانون عام لاحق قصد مقنن آن بوده است که تمامی مصادیق موضوع و دامنه شمول آن حکم سابق را نیز دربر گیرد (Mir Mohammad Sadeghi, 2013) یا اینکه بنا به نظر برخی فقها نفس دلیل حکم خاص نمی‌تواند گویای استمرار آن باشد، ازاین‌رو، قائل به نسخ خاص سابق از سوی عام لاحق‌اند (Khu'i, 1990). بنابراین، درخصوص جرم آلوده کردن آب مطابق نظر این دسته از حقوق دانان و فقها ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات حاکم است، اما در مقابل، عده‌ای دیگر از حقوق دانان در چنین مواردی قانون مقدم را مخصص عام مؤخر می‌دانند. عدم نسخ صریح قوانین سابق از سوی قانون گذار دلالت بر این دارد که مقنن مایل به اجرای حکم آن است. همچنین، در اثر وضع قانون عام در نسخ خاص سابق تردید به وجود می‌آید. بنابراین، یقین سابق استصحاب می‌شود.

اما درخصوص ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات به منزله عام لاحق، به نظر می‌رسد که باتوجه به متن ماده مراد قانون گذار عدم نسخ قوانین خاص سابق بوده است، زیرا ماده ۶۸۸ اشعار می‌دارد: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». همان‌طور که ملاحظه می‌شود ذکر عبارت چنانچه مطابق با قانون خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشد خود حاکی از این امر است که مقنن، قوانین خاص سابق را مدنظر داشته و اعتقادی به نسخ آن‌ها نداشته است. اما آنچه در این خصوص اهمیت می‌یابد، تطبیق عناصر مادی جرایم عام لاحق با خاص سابق است. درخصوص جرم آلودگی آب علاوه بر ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات، ماده ۲ قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی و ماده ۱۲ قانون شکار و صید نیز وجود دارند. مطابق با ماده ۲ قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی، آلوده کردن آب با نفت یا هر نوع مخلوط نفتی جرم است و مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال یا پرداخت جزای نقدی از یک تا ده میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. همچنین مطابق با بند د ماده ۱۲ قانون شکار و صید، آلوده کردن آب به موادی که به از بین رفتن آبزیان منجر شود، موجب حبس از سه ماه تا سه سال و جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال است. با بررسی میزان مجازات‌های این قوانین مشخص می‌شود که مجازات‌های ماده ۲ قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی و ماده ۱۲ قانون شکار و صید مجازات‌های شدیدتری را پیش بینی کرده اند. حال باید مشخص کرد کدام یک از این مجازات‌ها درخصوص جرم

^۱ بند ۵ ماده ۶۰ قانون آب و نحوه ملی شدن آن، ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب، بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید، بند «ز» ماده ۶ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان و ماده ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی.

آلودگی آب ملاک عمل خواهند بود. با اندکی مداقه در رکن مادی این جرایم مشخص می‌شود که آلودگی آب مطابق قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی و قانون صید و شکار مبتنی بر شرایط خاصی است. براساس ماده ۲ قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی، تنها آلودگی آب از طریق مواد نفتی (اوضاع و احوال ارتکاب جرم) مدنظر مقنن قرار گرفته است. همچنین بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید نیز جرمی مقید به نتیجه مبنی بر از بین رفتن آبزیان است. از این رو، به منزله یک قاعده چنانچه کسی مرتکب جرم آلوده کردن آب شود مجازات‌های ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی درخصوص او اعمال می‌شود. اما اگر آلوده کردن با استفاده از مواد نفتی باشد، مرتکب مطابق ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی محکوم می‌شود و چنانچه آلوده کردن آب رودخانه‌ها و دریاها به از بین رفتن آبزیان منجر شود، بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید حاکم است. درخصوص قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ و قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ باید گفت قانون نخست درباره آلوده کردن آب بین مواردی که آب، آشامیدنی است و مواردی که آب، غیرآشامیدنی است، قائل به تفکیک شده است و در مورد نخست، حکم به تجمیع مجازات مقرر در ماده ۶۰ (پرداخت ۲ تا ۵ هزار ریال جزای نقدی و ۲ تا ۶ ماه حبس) و مجازات‌های مقرر در سایر قوانین کرده است. قانون دوم نیز بدون آنکه مجازاتی برای آلوده کردن آب پیش بینی کرده باشد، حکم به ممنوعیت این رفتار داده است. با در نظر گرفتن این دو حکم و حکم مقرر در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، به نظر می‌رسد، باتوجه به اینکه بین آلوده کردن آب آشامیدنی و آلوده کردن سایر آب‌ها تفاوتی قائل نشده است، عملاً حکم به مقررات دو قانون سابق ممکن نیست و قانون حاکم در این خصوص ماده ۶۸۸ است.

توجه قوانین به پیشگیری‌های غیر کیفری

بدون هیچ تردیدی، توسل به کیفر و پیشگیری عام و خاص از ارتکاب و تکرار بزه، صرفاً و تنها از طریق پیشگیری کیفری امکان پذیر نبوده و نخواهد بود. اصل حداقل بودن حقوق کیفری اقتضا دارد که توسل به پاسخ‌هایی که دارای وصف کیفری است، باید به عنوان آخرین راهکار و در حد ضرورت باشد. از این رو، الزاماً در کنار تدابیر کیفری، می‌بایست به تدابیر غیرکیفری و پیشگیرانه توجه نمود که هزینه آن بر نظام عدالت کیفری به مراتب کمتر و نتایج آن بیشتر و اثربخش تر خواهد بود. متأسفانه قوانین موجود در زمینه مرتبط با منابع آبی کمتر توجهی به پیشگیری داشته و صرفاً در پی پاسخ دهی کیفری و آن هم به صورت نامتناسب به جرایم ارتكابی در این حوزه بوده اند که تجربه سالها از زمان تصویب و اجرای این قوانین، نشانگر موفق نبودن این قوانین و رویکردهای اتخاذی است. البته هدف از این سخن، نفی کامل واکنش‌های کیفری در قلمرو و حوزه‌های مرتبط با منابع آبی نیست، بلکه مقصود این است که ضمن بهره گیری نظام مند و فایده گرا از کیفر و قبل از آن به رویکردهای پیشگیرانه نیز متوسل شد تا از هزینه‌های برخوردهای کیفری و بالتبع تورم قوانین کیفری و نیز آثار منفی اجرای مجازات و... تا حدودی اجتناب شود.

جبران ناپذیری بهره برداری غیرمجاز از منابع آبی و سایر جرایم ارتكابی در این زمینه، اقتضا دارد که تدابیری اتخاذ شود که جرم به وقوع نپیوندد و گرنه کیفر جزای نقدی و حبس مجرم چه تاثیری در جبران منابع آبی هدر رفته خواهد داشت؟ سیاست پیشگیرانه اتخاذ شده در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ که در مواد اولیه قانون مورد پیش بینی قرار گرفته است، نمونه و تجربه مفیدی فراروی قانون گذار در تصویب قوانین کیفری آتی و از جمله تصویب قانون جامع آب خواهد بود. اقدامات پیشگیرانه همچون جلب مشارکت مردمی و بهره گیری از سازمان‌های مردم نهاد و پلیس‌های مردمی جهت نظارت بر اقدامات غیرقانونی بهره برداری یا آلوده کنندگان منابع آبی و تدابیر پیشگیرانه اداری و اجتماعی این چنینی می‌تواند تا اندازه‌ای راهگشا باشد.

تعیین کردن حداقل مجازات در قوانین

از جمله ایرادهای وارد بر مجازات‌های مقرر شده، تعیین نکردن حداقل برای مجازات هاست. در نتیجه این امر، قاضی دادگاه می‌تواند مرتکب جرم آلوده کردن آب را مطابق با ماده ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی از یک روز تا یک سال حبس کند. فلسفه تعیین نکردن حداقل مجازات به ایرادات متعدد شورای نگهبان مبنی بر رعایت قواعد مجازات‌های تعزیری (التعزیر بما یراه الحاكم) در زمان تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ باز می‌گردد.

اعمال اصل تناسب در تعیین مجازات‌ها

ایراد دیگری که بر مجازات‌های پیش بینی شده درخصوص جرایم پیش گفته وارد است، تناسب نداشتن مجازات‌ها با جرایم ارتكابی است. نتیجه این امر عدم بازدارندگی مطلوب مجازات هاست. یکی از اهداف مداخله حقوق کیفری و پیش بینی مجازات، جنبه

بازدارندگی مجازات هاست. درواقع مهم‌ترین عاملی که عموم مردم را به رعایت قانون ملتزم می‌کند، ترس از ضمانت اجرای آن است. این در حالی است که با بررسی مجازات‌های تعیین شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که این مجازات‌ها نه موجب ارعاب فردی می‌شوند و نه موجب ارعاب جمعی. از جمله مواد قانونی که تناسب میان جرم و مجازات در آن رعایت نشده، مجازات پیش بینی شده در ماده ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است. توضیح آنکه مقنن در این ماده قانونی تمامی اقدامات علیه بهداشت عمومی را دارای مجازات یکسان دانسته است. این امر در حالی است که منطقاً قانون‌گذار بایستی واکنش‌های جداگانه‌ای متناسب با شدت خطر و زیان عمل موردنظر و باتوجه به اهمیت آن پیش بینی می‌کرد. نقض بهداشت عمومی از طریق ریختن زباله در خیابان اهمیتی به مراتب کمتر از آلودگی آب دارد، درحالی‌که برای هر دو این رفتار مجازات برابری در نظر گرفته شده است. بنابراین، لازم است جرایم آسیب‌زننده و خطرناک این ماده از جرایم کم اهمیت تفکیک یا حداقل برای هر یک از این رفتارها مجازات جداگانه‌ای مطابق با اهمیت و میزان خطر آسیب‌رسانی آن‌ها پیش بینی شود (Ramazani Qavam Abadi, 2013). تناسب نداشتن مجازات‌های نقدی نیز باتوجه به نرخ سالیانه تورم آن چنان بدیهی و واضح است که نیازمند توضیح و تفصیل بیشتر نیست. همچنین، برخی مواد قانونی که برای جرایم مجازات‌های حبس تا سه ماه پیش بینی کرده است، نیز از بازدارندگی مطلوبی برخوردار نیستند، زیرا مطابق ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی که «مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند»، مجازات حبس الزاماً تبدیل می‌شود و قابل اجرا نیست. ازاین‌رو، بازدارندگی این مجازات نیز به شدت محل تردید است.

اعمال مجازات نسبت به اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی

باتوجه به اهمیت نقش و نفوذ اشخاص حقوقی، اکثر حقوقدانان بر این باورند که در قوانین کیفری، باید اشخاص حقوقی دارای مسئولیت باشند؛ زیرا جرایمی که توسط اشخاص حقوقی ارتکاب می‌یابد به مراتب بیشتر و مهم‌تر است. در کشور ما تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگر چه به صورت پراکنده در بعضی قوانین ضمانت‌اجراهایی برای اعمال متخلفانه اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده بود، لکن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت نظام مند و جامع به رسمیت شناخته نشده بود. با تصویب قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مورد جرایمی که باتوجه به قوانین ما قابلیت ارتکاب توسط اشخاص حقوقی را داشتند، به صورت جامع مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفت. ماده ۱۴۳ این قانون، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به نحو مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته و در ماده ۲۰ خود ضمانت‌اجراهای مختلفی (از مصادره اموال تا انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها) را در قبال جرایم اشخاص حقوقی پیش بینی کرده است. ولی تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، اشخاص حقوقی دولتی و اشخاص عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند را از شمول ضمانت‌اجراهای آن ماده نیز مستثنا کرده است. هر چند به نظر می‌رسد علت پیش بینی مفاد این تبصره اقتدار و حاکمیت اشخاص حقوقی حقوق عمومی در زمان انجام اعمال حاکمیتی و همچنین جلوگیری از زیان دیدن جامعه و افراد بی گناه به جهت ارائه خدمات عمومی توسط این اشخاص می‌باشد (Nejat & Dabiri, 2015) اما نمی‌توان از نظر دور داشت که بسیاری از آسیب‌ها در حوزه آب می‌تواند ناشی از اقدامات سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی یا عمومی باشد که در عرصه صنایع و تأمین انرژی کلان کشور متصدی هستند و فقدان هر گونه ضمانت اجرای قابل اعمال در خصوص این دسته از اشخاص حقوقی قابل تأمل است. بدین ترتیب، هر چند اعمال برخی ضمانت‌اجراها مانند انحلال و یا مصادره اموال، معارض با ماهیت اشخاص حقوقی دولتی است، اما اعمال گونه‌هایی از این ضمانت‌اجراها مانند انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها، می‌تواند جلوه‌ای از مسئولیت دولت در قبال این مخاطرات باشد که ایجاد آن به سیاست‌های کلان یک ارگان دولتی متناسب است.

تشکیل محاکم تخصصی در حوزه جرایم آب

از آنجا که اصل در مراجع تخصصی کیفری محدودیت صلاحیت می‌باشد و صلاحیت رسیدگی به موارد حصری، محدود است که در قانون احصا شده و معمولاً هر دادگاه تخصصی، حوزه مشخصی از جرائم را براساس شخصیت مرتکب یا موضوع جرم رسیدگی می‌کند، این امکان برای قاضی فراهم می‌شود که در آن حوزه تمرکز بیشتری کرده، مطالعات خود را تخصصی نماید و از دانش حقوقی کارتر بهره مند گردد، نتیجه این امر دقت در دادرسی و صدور آرای دقیق و عادلانه خواهد بود. همچنین یکی دیگر از ویژگی‌های این مراجع سرعت در رسیدگی به اموری است که در صلاحیت آن‌ها قرار گرفته است. در محاکم عمومی، تشریفات پیچیده‌تر و حجم بالای پرونده‌ها از علل اصلی اطاله دادرسی می‌باشد. در این محاکم که به عموم مسائل رسیدگی می‌شود، اوقاتی که جهت رسیدگی به پرونده‌ها به ذی نفع داده می‌شود بسیار طولانی است

و گاهی میان اولین جلسه دادرسی تا جلسه دوم، چندین ماه فاصله می‌افتد. در حالی که در مراجع تخصصی غالباً به دلیل حجم کمتر پرونده‌ها و فاصله اوقات تعیین شده، رسیدگی نزدیک‌تر و با سرعت بالاتری انجام می‌گیرد. با مطالعه قوانین و مقررات کیفری در حوزه آیین دادرسی از ابتدا تاکنون مشخص می‌شود که در خصوص تشکیل دادگاه‌های تخصصی در عرصه منابع آب و حتی بطور کلی حقوق محیط‌زیست خلأ قانونی وجود دارد (Zakavi, 2017). هر چند قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۵ خود نیز این اجازه را به ریاست قوه قضائیه اعطا کرده است که به تشکیل دادرسی‌های تخصصی مبادرت ورزد، اما تاکنون اقدامی در خصوص تشکیل دادرسی‌های تخصصی جرائم زیست‌محیطی صورت نگرفته است. تنها در موارد محدودی شعبه خاصی از دادگاه‌ها این جرائم را رسیدگی می‌کند که دارای همان ایرادات پیش گفته شده می‌باشد.

راهکارهای سیاست جنایی قضایی ایران در صیانت از منابع آبی

عدم تساهل گرایی در برخورد با متهمان جرایم مرتبط با منابع آبی

رویه قضایی کشور در جرائم زیست محیطی بر مسامحه و ارفاق استوار است و یکی از دلایلی که باعث چنین وضعیتی شده آن است که در اذهان قضات و ضابطان دادگستری، ارزشهای زیست محیطی، چندان مهم و چشمگیر جلوه نمی‌کند و متأسفانه همان طور که نبود یک ضمانت اجرای محکم و در عین حال مشخص، از ضعف‌های سیاست‌های تدوین شده برای مقابله با جرایم آبی است، بسیاری از قضات درک درستی از لزوم برخورد با جرایم مرتبط با آب نداشته و تی‌گاه با توسل به برخی از موازین شرعی ناظر بر مباح بودن استفاده از آب و نیز وضعیت مرتکبین فقیر با تسامح با موضوع برخورد می‌نمایند (Abdoli Toghr aljerdi, 2019). بنابراین، به استفاده از ابزارهای کیفری در جهت حل معضلات زیست محیطی، تمایلی بروز نمی‌دهند و شاید از نظر آنان موضوعات زیست محیطی به اندازه سایر جرائم مهم نباشد. در حالی که چنانچه بیان شد، امروزه محیط زیست در کنار سایر ارزشهای اساسی، چون حق حیات قرار گرفته است. بنابراین، با توجه به فنی بودن این جرایم و با توجه به اینکه دانشجویان حقوق و ضابطان دادگستری در طول دوران تحصیل خود کمتر با این حوزه‌های فنی آشنا می‌شوند، ضروری است که دوره آموزشهای کوتاه مدت و بلند مدت برای آنان اجرا شود، سیاست جنایی کشور نیز همگام با سایر زمینه‌ها رشد کند.

افزایش آگاهی مردم به تبعات رفتارشان

یکی از موانع عمده که بر سر راه حمایت موثر از منابع آبی وجود دارد، عدم درک و آگاهی ناقضان این منابع نسبت به تبعات رفتار خویش و ارزش‌هایی است که به مناسبت رفتار آنها مورد خدشه قرار می‌گیرد. در همین راستا اتخاذ اقداماتی نظیر الزام مرتکبان این جرایم به گذراندن دوره‌های آموزشی در این زمینه که با حضور متخصصان علوم رفتاری و زیست محیطی برگزار می‌شود، می‌تواند گامی موثر در ارتقای آگاهی مجرمان، افزایش حس مسئولیت‌پذیری، ایجاد حس شرمساری بازگرداننده و در نتیجه بازدارندگی نسبت به تکرار جرایم توسط این مجرمان باشد. در حقوق ایران مصادیقی از مجازات‌های اجتماعی از قبیل الزام به انجام خدمات عمومی، محرومیت از خدمات اجتماعی و الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی پیش بینی شده است؛ اما اولاً این تدابیر، صرفاً تحت نهادهای مجازات تکمیلی و تبعی و یا مجازات‌های جایگزین حبس (ونه به عنوان مجازات اصلی) می‌باشد که به فرض وجود شرایط آن اختیاری است ثانیاً علاوه بر محدودیت از حیث جرایم، بعضاً اجرای آنها منوط به تحقق شرایط خاصی همچون گذشت شاکی خصوصی است و نهایتاً اینکه بسترهای اجرایی آن نسبت به جرایم علیه منابع آب و بطور کلی جرایم زیست محیطی فراهم شده است (Pour Bafrani & Hemmati, 2024).

فقدان ضمانت اجرای اجتماعی

به نظر می‌رسد که صرف افزایش میزان و شدت مجازات‌ها، نمی‌تواند کارآمد باشد، زیرا ارتکاب بسیاری از جرایم علیه منابع آب و بطور کلی جرایم زیست محیطی ریشه در فرهنگ ناصحیح توسعه دارد. به همین جهت، صرف به کار بستن کیفرهای سستی در قبال این جرایم، نه تنها تأثیر بسزایی در پیشگیری از ارتکاب آنها ندارد، بلکه قابلیت سرزنش مرتکبان آنها نیز در خور تأمل است. به همین جهت امروزه حقوق کیفری مدرن، به این سمت حرکت می‌کند که در کنار مجازات‌های سستی، در سیاست جنایی خود از مجازات‌های جدیدی در راستای اعمال مجازات تکمیلی همچون اجبار آلاینده‌ها به اعاده وضع به حال سابق، پاکسازی محیط آلوده شده، انتشار حکم صادر شده برای آگاهی عمومی، محرومیت از تبلیغ و تکلیف به عذرخواهی عمومی استفاده کند (Khaleghi & Rashnavadi, 2013).

بهره‌گیری لازم از سازمان‌های غیر دولتی (مردم نهاد)

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، همسو با اندیشه‌های نوین بزه دیده شناسی حمایتی، در جهت حمایت از بزه دیده و مشارکت دادن سازمان‌های مردم نهاد برای نخستین بار ماده ۶۶ را در این زمینه به تصویب رساند. ماده ۶۶ قانون مزبور نیز که در مورخ ۲۴/۳/۱۳۹۴ مورد اصلاح قرار گرفت، علاوه بر حق اعلام جرم، حق شرکت در تمام جلسات دادرسی را برای سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از محیط زیست است، به رسمیت شناخت، ولی برعکس متن اولیه قانون ۱۳۹۲، حق اقامه دلیل و اعتراض نسبت به آرای مراجع قضایی به آن‌ها داده نشده است و حتی همین حق شرکت در دادرسی هم منوط به رضایت بزه دیده خاص (در جرائم واجد بزه دیده خاص) و با لحاظ موارد ممنوعیت علنی بودن جلسات رسیدگی می‌باشد. حال آنکه حق شرکت در جلسات در مواردی که منافی عفت نباشد و یا در جرائم قابل گذشت مورد درخواست طرفین قرار نگیرد، اساساً به عنوان یک حق عام در آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است و به نظر می‌رسد این ماده تا حد زیادی تبدیل به یک مقررہ تشریفاتی شده که فاقد اثر بخشی لازم است.

نظارت دادستان‌ها بر اجرای کامل احکام مبنی بر مسلوب المنفعه شدن چاه غیرمجاز

متأسفانه پرونده‌های متعددی در اجرای احکام کیفری دادرسی در خصوص مسلوب المنفعه شدن چاه‌های غیرمجازی که حکم قطعی در خصوص آن‌ها صادر شده، وجود دارد که یا با گزارش‌های صوری مرجع انتظامی یا به بهانه‌های غیرواقعی ادارات منابع آب مبنی بر عدم وجود امکانات و تجهیزات جهت مسلوب المنفعه کردن چاه‌های مذکور و یا شمول ماده واحده مصوب ۸۹ نسبت به موضوع و یا وجود تبعات اجتماعی و و نارضایتی بهره برداران غیرمجاز و.... عملاً اجرای حکم به صورت کامل صورت نمی‌گیرد. تسریع و نظارت بر اجرای کامل احکام قطعی شده در خصوص مسلوب المنفعه شدن چاه‌های غیرمجاز از الزامات قانونی است.

راهکارهای سیاست جنایی اجرایی ایران در صیانت از منابع آبی

علاوه بر آنچه در خصوص ایرادات وارده سیاست‌های تقنینی و قضایی گفته شد، در زمینه عملکردهای ادارات متولی و مرتبط با منابع آب، ایراداتی وجود دارد که به اعتقاد ما و بر مبنای تجارب و واقعیت‌های عملی، این آسیب‌ها مهمتر و جدی تر و مستلزم توجه و برنامه ریزی بیشتر نسبت به سایر آسیب هاست. بنابراین، چنان چه مدیران اجرایی مربوط، حقیقتاً به وظایف قانونی خود آشنا بوده و اراده جدی جهت انجام وظایف مذکور داشته باشند، بسیاری از معضلات و مشکلات فراوری منابع آب کشور حل خواهد شد.

عدم اهمال و سهل انگاری متولیان منابع آبی در انجام وظایف قانونی

باید اذعان نمود که سهم زیادی از سرنوشت امروز منابع آب کشور، از یک سو ناشی از عدم برنامه ریزی صحیح و اتخاذ سیاست‌های غیرکارشناسی و مقطعی و از سوی دیگر، عدم نظارت کافی و کارآمد بر نحوه اجرای سیاست‌های درست و کارشناسی شده و مساحمه و سهل انگاری مدیران میانی مرتبط با این بخش است. به طور خاص و در شهرستانها، متأسفانه مداخلات غیرقانونی مقام‌های سیاسی و مصلحت سنجی‌های بی اساس در عدم اعلام شکایت علیه بهره برداران غیرمجاز آب، عدم حساسیت مدیران متولی نسبت به پیگیری مسائل و مشکلات مربوط که یا ناشی از عدم آشنا به وظایف قانونی است و یا ناشی از تعمد در عدم انجام وظیفه، یکی از علل تشکیل شورای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی در دادگستری‌های سراسر کشور، سهل انگاری مدیران و مسئولین متولی منابع عمومی است. هرچند به موجب قسمت اخیر ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات، اهمال و سهل انگاری مدیران در انجام وظیفه، در صورتی که منجر به تضییع اموال عمومی شود، جرم و مسئولیت کیفری آن‌ها را در پی دارد، اما متأسفانه در برخورد با مدیران مجرم و متلخف نیز، گونه‌ای از تعارف و مساحمه وجود دارد. از این رو ایجاد و شناسایی نهاد دادستان انتظامی در خصوص منابع آبی همچون نقش دادستان مالیاتی، می‌تواند اثربخش بوده و تا حدود زیادی از تخلفات مدیران اجرایی و کارشناسان مربوط پیشگیری نموده و در صورت بروز تخلف، با سرعت بیشتری به تخلفات رسیدگی شود.

عدم بخشی نگری در استفاده از منابع آبی

مفهوم مدنظر از بخشی نگری آن است که بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و مصارف خانگی هریک به صورت جداگانه و بدون در نظر داشتن سایر بخش ها، در پی بهره برداری از منابع آب بوده و هستند. به عبارت دیگر، چون بخش کشاورزی به فکر خودکفایی است، بنابراین، در تلاش بوده تا بیشترین سهم را از آب داشته باشد. این بخش در راستای افزایش میزان تولیدات کشاورزی، به کشاورز اجازه داده است، هرطور بخواهد از آب استفاده کند. بخش صنعت نیز به سهم خود، در پی بهره گیری بیشتر از منابع آبی است، بدون آنکه تلاشی در جهت تصفیه فاضلاب‌های تولیدی انجام دهد که در بسیاری از موارد، موجبات آلودگی منابع آبی دیگر نیز فراهم آورده است. بخش خانگی، فضای سبز و سایر

مصارف متفرقه نیز به جهت ارزانی آب و به دلخواه و به هر میزان تمایل داشته، از منابع آبی بهره گرفته است. بنابراین، یارانه‌های غیرهدفمند به بخش آب در تمامی سطوح، به توهّم فراوان بودن آب دامن زده است.

نظارت بر میزان برداشت آب از چاه‌های دارای مجوز و نصب کتورهای هوشمند

در حال حاضر، متأسفانه بسیاری از چاه‌های کشاورزی دارای مجوز بهره‌برداری، به جهت عدم نظارت دقیق بازرسان آب، عملاً بیشتر از آنچه در مجوز قید شده است، از منابع آبی بهره‌برداری می‌نمایند. علاوه بر میزان برداشت بیشتر به نحو غیرمجاز، محدوده مجاز مورد استفاده از چاه جهت آبیاری نیز، به مراتب بیشتر از محدوده‌ای است که در مجوز بهره‌برداری ذکر شده است. عدم نظارت بر این موضوع و عدم جدیت در الزام کشاورزان به نصی کتور هوشمند از مسائل و آسیب‌های اجرایی دیگر در موضوع مورد بحث است. کتور هوشمند آب و برق ترکیبی است از یک کتور دیجیتالی برق، یک کتور حجمی آب و مجموعه مدیریت مصرف. این کتور با اندازه‌گیری پارامترهای برقی مخصوص، مخصوصاً توان اکتیو و راکتیو و با توجه به نوع الکتروپمپ دبی لحظه‌ای و حجم آب مصرفی محاسبه و ثبت می‌کند.

بومی سازی کشت محصولات متناسب با ظرفیت آبی دشت (با هدف ذخیره سازی آب مجازی)

اصلاح الگوهای کشت متناسب با شرایط اقلیمی و حجم منابع آبی هر دشت و جایگزین کشت محصولاتی که هم موجب کاهش استحصال آب و هم متضمن منافع اقتصادی برای کشاورزان باشد، از الزاماتی است که در سیاست‌های اجرایی مغفول مانده است. آبی که در مراحل مختلف تولیدات کشاورزی و دیگر کالاها استفاده شده است، آب مجازی ذخیره شده در کالا نامیده می‌شود. یک کشور با منابع آب در معرض خطر سعی می‌کند، کالایی که در تولید آن‌ها به آب زیادی نیاز دارد، را از طریق واردات تهیه و کالا و خدماتی که آب کمتری نیاز دارد را صادر نماید. هنگامی که یک کشور کالایی را به کشور دیگر صادر می‌کند، در اصل صادرات آب مجازی صورت گرفته است. با توجه بر اینکه بخش اعظم منابع آب را کشاورزی مصرف می‌کند، سهم عمده این تجارت را تولیدات کشاورزی به خود اختصاص داده است.

نتیجۀ گیری

اهمیت موضوع بحران آب و ضرورت توجه به آن، به ویژه در کشورهای با اقلیم خشک و نیمه‌خشک مانند ایران، به طور گسترده‌ای شناخته شده است. به ویژه در هزاره سوم، بحران آب به یکی از چالش‌های بزرگ جهانی تبدیل شده که سازمان ملل متحد نیز با نام‌گذاری سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ به عنوان «دهه آب»، بر اهمیت مدیریت و حفاظت از منابع آبی تأکید کرده است. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ایران، با توجه به شرایط اقلیمی خاص خود و وضعیت مدیریتی فعلی، با مشکلات جدی در حوزه مدیریت منابع آب مواجه است که ناشی از ناکارآمدی قوانین و رویه‌های اجرایی موجود است. پژوهش حاضر به بررسی راهکارهای سیاست جنایی ایران در صیانت از منابع آبی می‌پردازد. در این راستا، یکی از مهم‌ترین الزامات، شناسایی و چارچوب‌های قانونی موجود در زمینه حفاظت از منابع آبی است. در ایران، قوانین و مقررات موجود در این زمینه اغلب ناکافی و متناقض هستند که این امر باعث ایجاد چالش‌هایی در مدیریت صحیح منابع آبی می‌شود. لذا، اصلاح و به‌روزرسانی این قوانین به منظور افزایش شفافیت و کارایی در حفاظت از منابع آبی ضروری به نظر می‌رسد. به ویژه، نیاز به ایجاد قوانین جدید که به صراحت به جرائم مربوط به آلودگی و هدررفت آب اشاره کند، احساس می‌شود. یکی از رهکارها اعمال سیاست‌های پیشگیرانه در برنامه‌های مدیریت آب می‌باشد. این شامل نظارت مستمر بر فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی، بهبود روش‌های آبیاری و ترویج فرهنگ مصرف بهینه آب در جامعه است. افزایش همکاری میان نهادهای مختلف و ذینفعان در حوزه مدیریت منابع آبی، به عنوان یک راهکار اساسی دیگر معرفی می‌شود. نکته دیگری که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، ضرورت آموزش و ارتقای آگاهی عمومی درباره مسائل مرتبط با منابع آبی است. در نهایت، پژوهش حاضر به اهمیت تدوین یک نظام مدیریتی جامع و کارآمد در راستای صیانت از منابع آبی تأکید دارد.

پیشنهادات

سطح تقنینی:

۱. تدوین و اصلاح قوانین جامع: ایجاد یک کمیته ویژه متشکل از نمایندگان دستگاه‌های اجرایی، حقوقدانان و کارشناسان آب برای بازنگری در قوانین موجود و تدوین یک مجموعه جامع از قوانین مرتبط با مدیریت منابع آبی. این کمیته باید تمرکز ویژه‌ای بر جنبه‌های مختلف از جمله جرایم آبی، حفاظت و توزیع عادلانه آب داشته باشد و نتایج خود را در یک بازه زمانی مشخص ارائه دهد.

۲. بررسی و الگوبرداری از قوانین بین‌المللی: بهره‌گیری از تجربیات موفق کشورهای پیشرفته و هم‌اقلیم در مدیریت منابع آب و تطبیق این قوانین با شرایط بومی و اقلیمی ایران. این رویکرد می‌تواند شامل تبادل نظر و همکاری‌های بین‌المللی باشد که به شناسایی و انتقال بهترین شیوه‌ها کمک کند.

۳. ایجاد سیستم پایش و ارزیابی قوانین: پیاده‌سازی یک سیستم نظارتی برای ارزیابی مستمر اثربخشی قوانین مصوب و ارائه بازخورد به نهادهای ذی‌ربط. این سیستم باید توانایی شناسایی و اصلاح قوانین ناکارآمد را در کمترین زمان ممکن داشته باشد.

سطح قضائی:

۱. تأسیس دادگاه‌های تخصصی منابع آب: ایجاد دادگاه‌های ویژه و تخصصی برای رسیدگی به دعاوی و تخلفات مرتبط با منابع آبی که از قضاات مجرب و متخصص در این زمینه بهره‌مند باشد. این اقدام می‌تواند زمان رسیدگی به پرونده‌ها را کاهش داده و دقت در تصمیم‌گیری‌ها را افزایش دهد.

۲. تدوین راهنماهای قضائی تخصصی: تهیه و تدوین دستورالعمل‌های تخصصی برای قضاات، شامل توضیحات دقیق درباره جرایم مرتبط با آب، شیوه‌های رسیدگی و روش‌های پیشگیرانه، با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی.

۳. توسعه ارتباط با سازمان‌های مردم‌نهاد: تسهیل ارتباط بین قضاات و سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی که به افزایش آگاهی قضاات درباره مشکلات محیط‌زیستی و منابع آبی کمک کند.

سطح اجرایی:

۱. تأسیس نهاد ملی مدیریت منابع آب: ایجاد یک نهاد مستقل ملی که مسئولیت تدوین و اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مدیریت منابع آب را بر عهده داشته باشد. این نهاد باید با نهادهای بین‌المللی و کشورهای همسایه همکاری‌های فعالی داشته باشد.

۲. ترویج فناوری‌های نوین: استفاده از فناوری‌های مدرن مانند اینترنت اشیا (IoT)، داده‌کاوی و سیستم‌های هوشمند آبیاری در راستای بهبود مدیریت منابع آب و کاهش هدررفت آب.

۳. ایجاد بانک اطلاعاتی یکپارچه: راه‌اندازی یک بانک اطلاعاتی ملی که اطلاعات جامعی درباره وضعیت منابع آبی کشور ثبت و تحلیل شود و دسترسی آن برای محققان و نهادهای اجرایی فراهم باشد.

۴. آموزش عمومی و تخصصی: برگزاری برنامه‌های آموزشی برای شهروندان و کشاورزان در زمینه بهینه‌سازی مصرف آب و آگاهی از تأثیرات تغییرات اقلیمی بر منابع آب، از طریق رسانه‌ها، مدارس و نهادهای محلی.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

In recent decades, Iran has encountered a mounting water crisis that has not only threatened environmental sustainability but also posed considerable risks to socio-economic development and national security. While water scarcity is a global phenomenon, its intensity and ramifications in arid and semi-arid regions such as Iran are particularly pronounced. Legislative and criminal responses to environmental threats, including those related to water resources, remain fragmented and insufficiently developed. Although various legislative measures have been enacted—ranging from Islamic Penal Code provisions to environmental protection acts—many of these laws are characterized by duplication, inconsistency, and a lack of cohesion. For instance, the crime of water pollution is addressed simultaneously in multiple statutes, including Article 688 of the Islamic Penal Code, the

Law on the Protection of the Sea and Border Rivers from Oil Pollution, and the Hunting and Fishing Law, often with differing scopes and penalties. This multiplicity breeds confusion among enforcement officials and undermines legal certainty. Moreover, the Iranian legal framework does not consistently reflect expert ecological knowledge, contributing to regulatory inefficacy and diminished enforcement capacity. According to some scholars, the lack of legislative harmonization and legal clarity not only hampers effective policy implementation but also undermines the principle of proportionality in punishment, as lighter penalties are sometimes applied to egregious offenses due to interpretive ambiguities (Khaleghi & Rashnavadi, 2013; Mir Mohammad Sadeghi, 2013). Furthermore, certain legal doctrines—such as the primacy of later general laws over earlier specific ones—remain contentious among jurists, compounding interpretive complexity and policy incoherence (Khu'i, 1990).

From a judicial perspective, Iran's criminal justice system has struggled to adapt its philosophy and procedures to the specific exigencies of environmental crime. Judges often exhibit leniency toward violators of water-related regulations, partly because environmental protection does not yet constitute a deeply internalized legal value within the judiciary. As noted by several legal scholars, environmental crimes are still perceived as less severe than other forms of crime, despite their extensive and sometimes irreversible societal and ecological consequences (Abdoli Toghraljerdi, 2019). This judicial attitude is reinforced by a limited understanding among legal practitioners of the technical complexities surrounding environmental degradation and water resource management. Compounding this issue is the lack of specialized courts to handle environmental offenses. Although Article 25 of the 2013 Criminal Procedure Code permits the establishment of specialized prosecutor's offices, little progress has been made in creating dedicated judicial bodies for environmental matters, including water crimes (Zakavi, 2017). In the absence of such institutions, cases are adjudicated in general courts with overburdened caseloads and limited technical expertise, leading to delayed proceedings and less rigorous enforcement. Additionally, existing alternative sentencing options such as community service or educational courses—although provided for in the penal code—are underutilized due to logistical barriers, lack of institutional support, and inadequate training among judiciary personnel (Pour Bafrani & Hemmati, 2024).

Equally important is the executive dimension of Iran's criminal policy in the realm of water resource protection. The failure to implement and enforce legal norms effectively stems in part from institutional weakness, lack of coordination, and bureaucratic inertia. In many cases, government officials have neglected their statutory duties due to a combination of legal ignorance, resource constraints, and political expediency. For example, unauthorized water extraction from wells often persists because of non-enforcement of final judicial decisions, or because local authorities cite logistical or social constraints as justification for inaction. Despite the fact that managerial negligence resulting in public resource depletion is criminalized under Article 598 of the Penal Code, enforcement remains sporadic and lenient. More troublingly, public sector entities—especially state-owned enterprises involved in energy or industrial production—often act with impunity, as current laws largely exempt them from criminal liability (Nejat & Dabiri, 2015). While Article 143 and 20 of the Islamic Penal Code formally recognize corporate criminal responsibility, an exception is made for public and quasi-public legal entities when acting in a sovereign capacity. This loophole severely limits accountability and deters institutional reform. International legal standards and best practices, such as those adopted in Germany and other European Union member states, demonstrate that environmental protection is more effectively achieved when corporate actors, including public entities, are held accountable for their ecological footprint.

Furthermore, the existing criminal policy does not place sufficient emphasis on preventive strategies and non-penal interventions. Relying solely on punitive measures to safeguard water resources is not only costly but also inefficient in the long term. Modern criminal law theory emphasizes the principle of minimal criminalization, advocating for the use of non-criminal tools such as public education, administrative oversight, and social mobilization as first-line defenses against environmental harm. In Iran, however, most legal provisions focus on ex post facto punishment rather than ex ante prevention. The implementation of smart water metering, for instance, remains inconsistent across agricultural regions despite its proven effectiveness in curbing illegal water usage. Likewise, inter-sectoral cooperation is lacking: agricultural, industrial, and residential sectors continue to consume water in isolation from one another, often leading to overlapping exploitation and systemic inefficiencies. Promoting the use of water-efficient crops, incentivizing wastewater treatment in industry, and revising public subsidies that distort perceptions of water scarcity are all measures that remain underutilized in the current legal and policy landscape. By contrast, international best practices

underscore the importance of integrating criminal policy with environmental governance, regulatory oversight, and market-based instruments.

Another critical deficiency is the inadequacy of punishment in terms of both severity and enforcement. In many cases, Iranian laws prescribe penalties that are either too lenient to deter criminal behavior or so general as to fail the proportionality test. For instance, Article 688 of the Penal Code imposes a one-size-fits-all penalty for a wide array of public health violations, from dumping trash in the street to polluting major water sources. This undermines both the individual and general deterrent effect of penal sanctions (Ramazani Qavam Abadi, 2013). Moreover, due to the replacement policies articulated in Article 65 of the Penal Code, custodial sentences under three months are automatically converted to alternative penalties, which further weakens enforcement. The inflationary erosion of monetary fines also diminishes the punitive value of financial sanctions. Legal reform should thus aim to differentiate between the degrees of environmental harm, apply flexible sentencing guidelines that reflect the gravity of the offense, and ensure that monetary penalties are adjusted for inflation. Without these adjustments, the Iranian criminal policy toward water-related crimes risks becoming obsolete and ineffective.

Lastly, an essential yet overlooked component of effective environmental criminal policy is public engagement. The role of civil society organizations, community-based monitoring systems, and environmental NGOs has yet to be fully integrated into Iran's legal system. Although Article 66 of the Criminal Procedure Code authorizes environmental NGOs to participate in court proceedings, their actual legal standing is severely restricted. They cannot present evidence, challenge judicial decisions, or engage in litigation without the victim's explicit consent. This marginalization of civil society not only limits transparency but also reduces opportunities for grassroots environmental advocacy and public accountability. Furthermore, the cultural dimension of environmental protection is often neglected: public awareness of water conservation laws is low, and environmental education remains peripheral in formal curricula and media discourse. International experience, particularly in European democracies, illustrates that robust environmental protection requires both top-down enforcement and bottom-up participation. Strategies such as naming and shaming offenders, mandating public apologies, or requiring environmental restoration efforts have been shown to promote restorative justice and reinforce environmental norms (Khaleghi & Rashnavadi, 2013).

In conclusion, addressing Iran's mounting water crisis requires a fundamental rethinking of its criminal policy landscape. This includes not only legislative reforms to harmonize and update existing laws but also judicial restructuring to create specialized courts with the capacity and expertise to handle complex environmental litigation. Executive action must likewise be prioritized, particularly in terms of oversight, enforcement, and inter-agency coordination. The effective protection of water resources cannot be achieved through punitive measures alone; it necessitates a multi-layered strategy that integrates legal, technical, social, and educational dimensions. Developing a comprehensive "Water Law" that clearly delineates responsibilities, streamlines regulations, and ensures proportional and preventive responses to violations would be a significant step forward. Ultimately, safeguarding Iran's water resources requires not just legal sophistication but also political will, institutional integrity, and a broad-based commitment to sustainable development.

References

- Abdoli Toghrhaljerdi, Z. (2019). The Political Economy of the Water Crisis in Iran: A Legal Structural Analysis. *Quarterly Journal of International Relations Research*, 9(3).
- Khaleghi, A., & Rashnavadi, H. (2013). Iran's Legislative Criminal Policy in Protecting Water Resources with Regard to International Documents. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*, 2.
- Khu'i, A. (1990). *Ajwad al-Taqrirat (Notes on the Principles of Allameh Naeini's Discussions)* (Vol. 2). Mo'assasat Sahib al-Amr.
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2013). *Crimes Against Persons*. Mizan Publications.
- Nejat, S. A., & Dabiri, F. (2015). Examining the Criminal Challenges Arising from the Implementation of Article 688 of the Islamic Penal Code. *Journal of Legal Studies, Shiraz University*, 7(2).
- Pour Bafrani, H., & Hemmati, M. (2024). Critique of Iran's Criminal Policy Regarding Environmental Crimes. *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, 23(78).
- Ramazani Qavam Abadi, M. H. (2013). A Comparative Study of the Implementation of the Environmental Precautionary Principle in Light of Judicial Decisions and Rulings.
- Zakavi, M. (2017). *Specialized Criminal Proceedings*. Majd Publications.